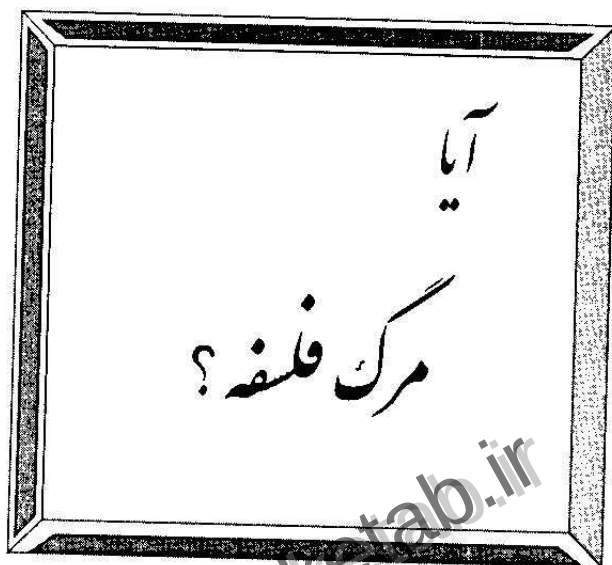




مجید آذرشاهی

انتشارات امید سخن

تهران ۱۳۹۹

سرشناسه	: آذرشاهی، مجید، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: آیا مرگ فلسفه فرا رسیده؟/ مجید آذرشاهی.
مشخصات نشر	: تهران: امید سخن، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۴ص: مصور، جدول: ۱۴×۵/۲۱/ص:م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۴۴-۰۱-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۹۹.
موضوع	: فلسفه
موضوع	: Philosophy
موضوع	: فلسفه جدید
موضوع	: Philosophy, Modern
موضوع	: فلسفه -- ایران -- تاریخ
موضوع	: Philosophy -- Iran -- History
موضوع	: فیلسوفان
موضوع	: Philosophers
رده بندی کنگره	: B۹۹
رده بندی دیویی	: ۱۰۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۰۷۷۹۴



آیا مرگ فلسفه فرا رسیده؟

مؤلف: مجید آذرشاهی

طراح جلد: محمد کرمی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۴۴-۰۱-۳

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۴۰۰

چاپ: انتشارات امید سخن

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

دفتر انتشارات: تهران - ستارخان - نرسیده به میدان توحید -

روبروی کوثر دوم- پلاک ۷۳ - طبقه سوم

تلفن: ۶۶۱۲۱۰۶۸-۶۶۹۲۲۴۴۰

فهرست

۷.....	پیشگفتار
۱۳.....	فصل اول: فلسفه و فلاسفه
۲۱.....	فصل دوم: اندیشمندان ذاتی «پیامبران»
۲۱.....	دین هندو
۳۰.....	دین زرتشتی
۳۹.....	آئین ابراهیمی
۴۶.....	دین یهودی
۵۷.....	دین مسیحی
۷۰.....	دین اسلام
۸۷.....	فصل سوم: اندیشمندان مدرسه‌ای «فلاسفه»
۸۹.....	فلسفه در ایران باستان
۹۱.....	چکیده حماسه گیلگمش
۹۸.....	چکیده حماسه ایللیاد
۱۰۷.....	چکیده اولیس (اودیسه)
۱۱۹.....	تالس
۱۲۱.....	سقراط
۱۲۵.....	ارسطو
۱۲۹.....	ابونصر فارابی
۱۳۲.....	رنه دکارت
۱۳۶.....	محوریت وجودی انسان

پیشگفتار

گذشته انسان به دو بخش مهم تقسیم می‌شود و مرز بین این دو بخش اختراع خط و شروع ثبت وقایع اعم از روزانه، علمی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، هنری و غیره، و در کل ثبت تمام آن چیزی است که برای انسان‌ها در مقاطع مختلف پیش می‌آمده. آنچه پژوهشگران می‌گویند؛ حدود بیست و دو هزار سال پیش انسان‌های غارنشین، نخستین تصاویر را بر روی دیوار غارهای محل سکونت خویش رسم کردند و این نقش‌ها برای حفظ حکایت‌هایشان و شروعی بوده برای تاریخ‌نویسی. از آن پس تقریباً هفده هزار سال طول کشید تا این نقش‌های ابتدایی به کامل‌ترین شکل خود یعنی خط تصویری منجر شد و پس از آن تا جایی که اسناد نشان می‌دهند، حدود شش هزار سال پیش خط الفبایی در منطقه میان‌رودان یا بین‌النهرین پدید آمد؛ سرزمینی که دو رود دجله و فرات در آن جریان دارند، سرزمینی که محدود شده از شمال به ترکیه امروزی، از شرق به فلات ایران، از غرب به صحرای سوریه کنونی و از جنوب به خلیج فارس. نخستین ساکنان میان‌رودان سومری نبودند اما اولین حکومت میان‌رودان توسط سومریان تشکیل شد. تمدن‌های باستانی که این منطقه از آن‌ها تأثیر گرفته تمدن‌های سومر، اکد، بابل، آشور، کلدانی و تمدن‌های ایرانی کاسی، عیلامی و مادها بوده‌اند که بنا به گفته باستان‌شناسان پایه‌های تمدن بشری در این منطقه و به وسیله این حکومت‌ها که از آن‌ها به تمدن‌ها نام برده می‌شود پایه‌گذاری شده. با پیدایش خط الفبایی در منطقه میان‌رودان، علاوه بر اینکه ثبت وقایع روزانه و تجاری راحت‌تر شد بلکه این امکان نیز به وجود

۸ □ آیا مرگ فلسفه فرا رسیده

آمد تا انسان‌ها بتوانند آنچه در فکر و ذهن خود دارند را مکتوب و به دیگران و حتی به نسل‌های بعد از خود نیز انتقال دهند.

حدود سه هزار سال پیش تمدن یونان باستان شکل گرفت و پایه‌های علم و فلسفه که ابزار شناخت و درک و توضیح جهان هستی می‌باشند نهاده شد و افلاطون نخستین فیلسوفی است که آثار مکتوبی از او بجا مانده است. یکی از اساسی‌ترین افکاری که همواره در ذهن و فکر انسان‌ها وجود داشته و دارد که به جرئت می‌توان گفت قدمت آن با پیدایش انسان برابری می‌نماید، چگونگی و علت خلقت انسان است. در این راستا همواره فرضیه‌های مختلف سعی نموده‌اند پرده از راز این سؤال بردارند و امروزه سه نظریه دارای بیشترین پیروان در جهان می‌باشند: ۱) خلقت مستقل آدم و حوا توسط خداوند ۲) تکامل انسان از میمون ۳) پدید آوردن انسان از میمون‌های ساکن در کره زمین توسط فرازمینی‌ها.

در مورد تکامل انسان از میمون‌ها که توسط چارلز رابرت داروین (زیست‌شناس و زمین‌شناس انگلیسی) مطرح گردید در کتاب انسان، کیهان و تکامل بررسی نمودیم و دیدیم که از نظر زیست‌شناسی توالی تکاملی مجموعه میمون‌ها به انسان دارای شکافی است که به نام حلقه مفقوده معروف می‌باشد و از دیدگاه علم ژنتیک برای تبدیل ژنوم شامپانزه به ژنوم انسان در شش میلیون سال قبل، تعداد ۶۸۹ نسخه جدید ژن اضافه و ۸۶ ژن حذف شده و ۷۲۹ ژن در انسان وجود دارد که در شامپانزه‌ها موجود نیست و با توجه به اینکه تغییر حتی چند ژن کوچک، حذف آن‌ها یا فعال شدن برخی دیگر می‌تواند زندگی یک موجود را به خطر اندازد لذا احتمال اینکه شامپانزه را جد مستقیم انسان تلقی کنیم کاملاً غیرممکن است.

همچنین در مورد دیدگاه ساخت انسان از میمون‌های ساکن سیاره زمین توسط فرازمینی‌ها. این فرضیه نیز در کتاب انسان، کیهان و تکامل به‌طور

جامع به آن پرداختیم و دیدیم که پایه این نظریه برمی‌گردد به اعتقاد به وجود حیات در سیارات و ستارگان دیگر.

اصولاً تعریف حیات از دیدگاه دانشمندان علوم مختلف، متفاوت است و هر دانشمندی با توجه به رشته تخصصی خود و هر فیلسوفی نیز با توجه به گرایش‌های خود از حیات تعاریف جداگانه‌ای دارند، برای پی بردن به تعاریف متفاوت حیات کافی است به فرهنگ‌های لغات و دانشنامه‌های مختلف مراجعه کنید تا تنوع وسیع تعاریف حیات مشاهده شود. اما تقریباً جامع‌ترین تعریف از حیات را می‌توان در دانشنامه بریتانیکا چاپ ۱۹۷۳ میلادی مشاهده کرد که چنین آمده است:

«متخصصین بخش‌های مختلف دانش زیست‌شناسی هرکدام از دیدگاه تخصصی خود تعریف کم و بیش متفاوتی درباره حیات ارائه می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف) تعریف فیزیولوژیکی: حیات سیستمی است که قادر به انجام روندهای اساسی از قبیل تغذیه، هضم و دفع، تنفس، حرکت، رشد و تولیدمثل است.

ب) تعریف متابولیکی: حیات سیستمی است که به صورت مستمر مبادله مواد با محیط بیرونی انجام می‌دهد و با وجود این مبادلات، خصوصیات عمومی خود را به صورت پایدار حفظ می‌کند.

ج) تعریف بیوشیمیایی: موجودات زنده سیستم‌هایی هستند که اطلاعات ارثی قابل انتقال در خود ذخیره کرده‌اند، مجموعه این معلومات در نوکلئیک اسیدها انباشته شده و از طریق سنتز آنزیم‌ها و ترکیبات پروتئینی، انجام واکنش‌های حیاتی را رهبری و کنترل می‌کنند.

د) تعریف ژنتیکی: موجودات زنده از ساده‌ترین یاخته‌ها گرفته تا انسان، ماشین‌هایی هستند که با قدرت خارق‌العاده‌ای ملکول‌های آلی پیچیده را که

۱۰ □ آیا مرگ فلسفه فرا رسیده

منشأ صفات، رفتارها و تولید مواد مرکب و پیچیده از مواد خام و ساده می‌باشند، به انجام می‌رسانند. در کنار این روندها ماشین‌های زنده قادرند موجوداتی کم و بیش نظیر خود ایجاد نمایند.

ه) تعریف ترمودینامیکی: درحالی‌که تمام جهان در سیر مداوم خود از نظم بیشتر به سوی نظم کمتر حرکت می‌کنند، موجودات زنده ظاهراً در خلاف جهت این مسیر عام جهان به‌سوی بی‌نظمی، به حساب نمی‌آیند، بلکه وقتی موجودات زنده در یک منطقه محدود درجه نظم را افزایش می‌دهند، در بخش بزرگ‌تری در اطراف خود با دیگر مناطق جهان ایجاد بی‌نظمی می‌کنند. برپایی نظام حیاتی در روی کره زمین که ثمره آن پیدایش نظم بیشتر در برخی از ترکیبات و مواد است، عمدتاً به مدد استفاده از انرژی آفتاب امکان‌پذیر می‌شود. دریافت انرژی آفتاب در روی کره زمین، مستلزم و نتیجه ایجاد بی‌نظمی بسیار زیاد در کره خورشید است. به بیان دیگر هزینه و صورت حساب ایجاد نظم در روی سیاره زمین، از طریق ایجاد بی‌نظمی در خورشید پرداخت می‌شود.»

اما تعریفی ساده و عام از حیات که می‌گوید: موجود زنده، موجودی است که بخورد، حرکت کند و تولیدمثل کند، شاخص تمام موجوداتی است که در این تعریف می‌گنجند، از میکروب‌ها و ویروس‌ها گرفته تا موجودات هوشمند در خارج از سیاره زمین.

گفتیم که پایه نظریه ساخت انسان از میمون‌های ساکن در سیاره زمین توسط فرازمینی‌ها، برمی‌گردد به باور به وجود حیات در سیارات و ستارگان دیگر. مسلماً قدیمی‌ترین نظر مکتوب در مورد حیات در سیارات دیگر مربوط می‌شود به شخصی به نام اپیکورس که حدود ۲۳۰۰ سال پیش در نامه‌ای به هرودت چنین می‌نویسد:

«دنیا‌های بی‌شماری وجود دارند که بعضی شبیه دنیای ما و بعضی دیگر

نامتشابه زمین هستند..... باید معتقد بود که در همه دنیاها آفریده‌های زنده وجود دارند و هر چیزی که در دنیای ما وجود دارد.»

آنچه مسلم است اینکه ایده وجود حیات در کرات دیگر به هر شکل (هوشمند، جانوری، گیاهی، سلولی) نه فقط در زمان اپیکورس بلکه در زمان‌های قبل و بعد از او هم بین متفکرین، دانشمندان و فلاسفه رایج بوده است ولی ایده غالب همواره این بوده که به غیر از زمین هیچ دنیای دارای حیاتی وجود ندارد و زمین و انسان در جهان آفرینش منحصر به فرد و در مرکز جهان هستی قرار دارند. این ایده زمین محوری با ظهور مسیحیت مورد حمایت کلیسا قرار گرفت و بیش از هزار سال کسی جرئت بیان خلاف این عقیده را نداشت.

طرفداران وجود حیات مخصوصاً از نوع هوشمند آن تا قرن نوزدهم میلادی بیشتر اعتقاد به زندگی موجودات هوشمند در سایر کرات منظومه شمسی حتی خورشید را داشتند و پیروان این عقیده دلایل، حدس‌ها، مشاهدات و حتی داستان‌هایی در این رابطه ارائه می‌دادند. اما با پیشرفت علم و فناوری و اولین قدم بشر برای خروج از گهواره زمین و حضور در فضای کیهانی، حقایق آشکار شدند. کره ماه فاقد هر نوع حیات شناخته شده بشریت بود، در مریخ و زهره و عطارد و خورشید هم خبری از موجود یا موجودات زنده نبود و حتی حیات از نوع پست آن، نه گیاهی، نه جانوری، نه آبادی و نه شهری. انسان، همه کرات منظومه شمسی را با دقت فراوان بررسی کرد اما هیچ نیافت و یقین پیدا کرد که انسان در منظومه شمسی تنهاست و خط قرمز بطلانی کشیده شد بر ایده وجود ساکنین در کرات دیگر منظومه خورشیدی. و طرفداران ایده موجودات هوشمند غیرزمینی نگرش خود را در مورد این موضوع، به خارج از منظومه شمسی بسط دادند و اعلام کردند جایگاه این موجودات هوشمند خارج از منظومه خورشیدی

۱۲ □ آیا مرگ فلسفه فرا رسیده

است و آن‌ها در دوران‌های باستان به زمین آمده و هنوز هم گهگاهی سری به ما می‌زنند. فرضیه فرازمینیان در دو دهه آخر قرن بیستم چنان گسترش یافت که بیش از یک میلیارد نفر پیرو آن شده بودند.

به هر حال و بنا به هر دلیلی انسان ضعیف اما هوشمند پدید آمد و با فکر و استدلال‌های خود توانست بر خطرات و تهدیدهای محیطی غلبه نماید و سیاره زمین را تحت کنترل خود درآورد. یکی از جنبه‌های اندیشه که حاصل هوشمندی است پرداختن به چراها و چگونگی‌های فرآیندهای پیرامون انسان‌ها است و دقیقاً همین امر یعنی اندیشیدن به معنی فلسفه می‌باشد. در این کتاب به دو روند اصلی فلسفه می‌پردازیم ۱- تلاش اندیشمندان ذاتی ۲- تلاش اندیشمندان مدرسه‌ای و در نهایت فلسفه در جهان ماشینی را بررسی می‌کنیم و بالاخره آیا مرگ فلسفه فرا رسیده؟

مجید آذرشاهی / پاییز ۱۴۰۰